



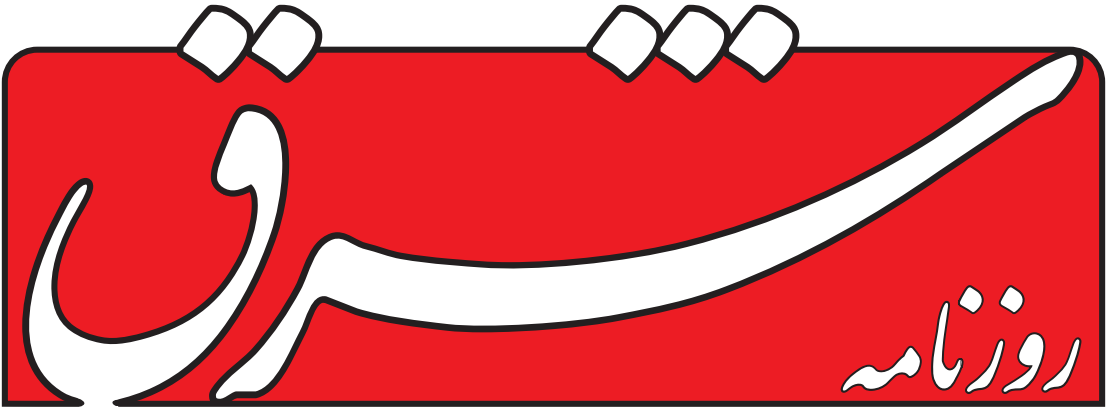
مقام معظم رهبری:

نگذارید سپاه پیر و محافظه‌کار شود

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری روز گذشته در دیدار هزاران نفر از فرماندهان سپاه پاسداران، سپاه را نهادی پرافتخار و رشدیابنده در مسیر تعالی و پیشرفت خواندند و با بیان توصیه‌هایی...

صفحه ۳

پنجشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۸ • ۴ صفر ۱۴۴۱ • ۳ اکتبر ۲۰۱۹



ظریف: طرح ۴ ماده‌ای فرانسه حاوی دیدگاه ما نیست

روحانی از دلایل امتناع از مذاکره با آمریکا در نیویورک گفت

گروه سیاست: رئیس جمهوری که وعده داده بود تا درباره نشست وزرای خارجه در سطح ۴+۱ در نیویورک توضیحاتی دهد، روز گذشته در جلسه هیئت دولت دراین‌باره صحبت کرد و از آن سفر گفت. حسن روحانی پیش از سفر به ارمنستان گفته...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۵۴۰ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

تابعیت مادرانه

طیبه سیاوشی - نماینده تهران



سرانجام لایحه تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، با تلاش تمرینش سازمان‌های مردم‌نهاد، دغدغه‌مندان حوزه کودکان و زنان و معاونت حقوقی دولت دوازدهم و پس از دو مرحله طرح ایراد توسط شورای نگهبان و رفع ایراد از سوی مجلس شورای اسلامی، به تأیید نهایی رسید. لایحه‌ای که مخالفان سرسختی داشت و حال که به تصویب نهایی رسید، وقت آن است تا نکاتی را دراین‌باره متذکر شویم. این لایحه بی‌شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های مجلس دهم بود؛ کم‌حاشیه نداشت و منتقدان آن نیز، جدی و سرسخت بودند. این لایحه برای منتقدان، پیچیده و برای موافقان، تقریباً ساده بود؛ ما به‌دنبال دادن ابتدایی‌ترین و مقدم‌ترین حق به ده‌ها هزار کودک بی‌هویت بودیم تا با هویت‌دارشدن آنان، گامی در راستای شهروندشدن آنان برداشته باشیم. می‌دانستیم که این لایحه، همه ماجرا نیست؛ اما بدون آن، انتظار تغییر در وضعیت کنونی فرزندان حاصل از مادر ایرانی و پدر خارجی بی‌جا جلوه می‌کرد. مسئله مهم دیگر، رفع تبعیض بین فرزندان پدر ایرانی - مادر خارجی و فرزندان مادر ایرانی - پدر خارجی بود. چنین تبعیضی، واضح و این لایحه، قدمی در راستای رفع حداقلی آن بود. منتقدان این لایحه، دست به پیچیده‌ترکردن این لایحه زدند و از هیچ تلاشی برای تصویب‌نشدن و در گام بعد، کاهش اثربخشی لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی، فروگذار نکردند. باین‌حال تأیید و تصویب این لایحه، نکات عجیبی را برای اذهان عمومی روشن کرد. اولاً طبق معمول، عده‌ای برای جلوگیری از تصویب این لایحه، آن را وارد سیاسی‌کاری کردند؛ شاید به این نیت که مجلس دهم و دنبال‌کنندگان طرح را ناکارآمد جلوه دهند و بیش از پیش امید اجتماعی را به پای منافع حزبی ذبح کنند. متأسفانه بوده‌اند، هستند و خواهند بود عده‌ای که حاضرند برخی اقشار اجتماعی حتی از اولیه‌ترین حقوق خود محروم بمانند و همچنان رنج اجتماعی بازتولید شود تا مبدا کشایشی در جایی حاصل شود و مردم کمی به بهبود وضعیت امیدوار شوند. این را می‌توان از آنجا فهمید که روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های منتقد عمدتاً از یک طیف خاص بودند. هرچند نمی‌توان و نباید نقش برخی از نمایندگان اصولگرا و افراد نزدیک به این لایحه کرده و پابه‌پای دیگر دلسوزان کودکان بی‌هویت، برای تصویب و تأیید لایحه تلاش کردند. ثانیاً بخشی از منتقدان این لایحه (که تعداد آنان بسیار کم بود و زیر حمله رسانه‌ای دیگر مخالفان لایحه، نظرشان پنهان ماند)، از طرفی با این لایحه مخالف و از دیگر سو، با طرح افزایش حداقل سن ازدواج (منع کودک‌همسری) موافق بوده‌اند. این وضعیت بخصوص، محصول دغدغه‌های اجتماعی و ناشی از نگرانی به‌دلیل تأثیر این لایحه روی افزایش موارد کودک‌همسری بود. دغدغه‌ای نیکو اما بدون توجه به این نکته که کودک‌همسری‌ها، گاهی در مواردی رخ می‌دهد که طرفین فاقد مدارک هویتی هستند؛ اما در صورت داشتن مدارک هویتی، انجام ازدواج غیررسمی و پنهانی، با سختی روی می‌دهد؛ بنابراین قاعداً اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از مادر ایرانی، مستقل از معضل کودک‌همسری است. در تاسی برای مبارزه با کودک‌همسری، به قانونی مجزا نیاز داریم تا با آن مبارزه کنیم، نه آنکه برای جلوگیری از یک آسیب اجتماعی، آسیب اجتماعی دیگری را مسکوت باقی بگذاریم.

ادامه در صفحه ۴

همکار گرامی جناب آقای صدرا محقق

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو می‌نمایم.

روزنامه شرق

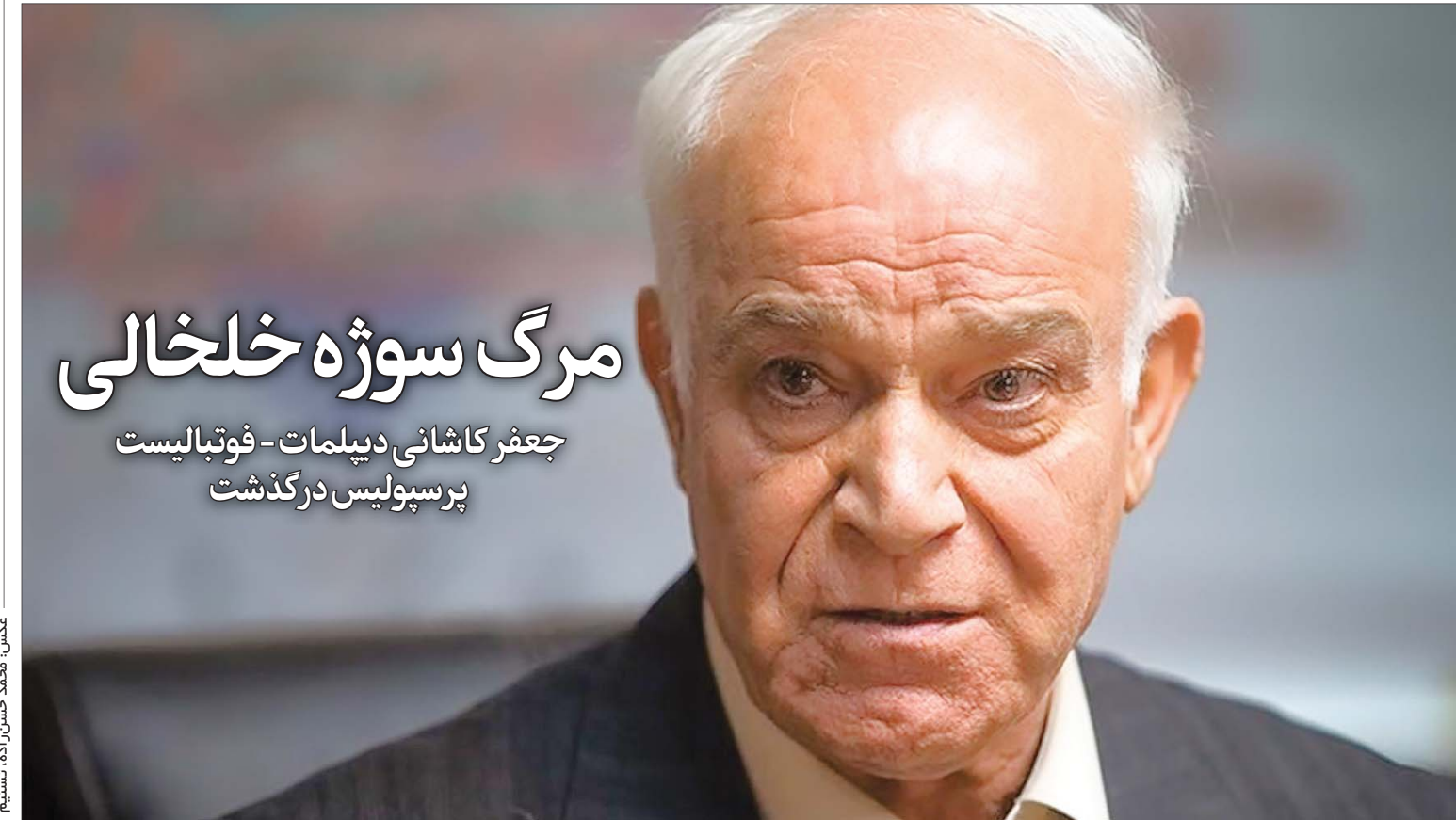
ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

روایت مشاور سازمان خصوصی سازی از زمین خوردن شرکت پرحاشیه ماشین سازی

هیکو حراج می‌شود؟

هیئت واگذاری می‌گوید اهلیت یعنی بالاترین قیمت



صفحه ۱۴

مرگ سوژه خلخالی

جعفر کاشانی دیپلمات - فوتبالیست پرسپولیس درگذشت

عکس: محمد حسن زاده تسنیم

یادداشت

جنگ اقتصادی علیه ایران و راهکار مقابله

مسئله‌ای است که بر زندگی و رفاه مردم تأثیر دارد و این‌گونه سیاست‌های نادرست اقتصادی، مردم را تحت فشار قرار داد. این در حالی است که در مقطع دولت قبل، تحریم‌ها هرگز به گستردگی و دشواری شرایط امروز نبود. ترامپ رسماً اعلام کرده نه تنها فروش نفت ایران را به صفر می‌رساند، بلکه تولیدات و فروش فولاد ایران را هم متوقف خواهد کرد و با استفاده از ابزار به نام تحریم، ایران را در گسترش این صنعت متوقف خواهد کرد. او اکنون همه فشارهای مالی و اقتصادی را بر ایران وارد کرده و دیگر برگی برای روکردن نخواهد داشت. می‌دانیم فروش نفت ایران با کاهش محسوسی مواجه شده اما از آنجاکه طرف ترک‌کننده برجام و برهم‌زننده توافق‌ها آمریکا بوده، اروپا و چین می‌کوشند امکان استفاده ایران از مواهب برجام را فراهم کنند. کشورها جهان ناگزیر به دادوستد با آمریکا هستند و به‌همین دلیل ایجاد سازوکاری خارج از حاکمیت دلار برای معامله با ایران، کار دشواری است. از سوی دیگر عمده صادرات ایران متکی به نفت است و افزایش قیمت دلار در سال گذشته که خوشبختانه متوقف و تعدیل شد، باعث افزایش بهای کالاها و مواد اولیه وارداتی شد. به‌هرحال شرایط جهان و نوع رفتار ترامپ در درون و بیرون ایالات متحده سبب شده امکان اجماع‌سازی را از دست بدهد. آمریکا امروز توان مجازات همه کشورهای دنیا را ندارد و تعدادی از کشورها، دیگر با تحریم‌های آمریکا با افزایش تفرقه واردات کالای ساخت آن کشور به درون ایالات متحده لطمه نمی‌بینند.

ادامه در صفحه ۴

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی



۸۸۹۶۲۰۳۵

sharghdaily.ir

یادداشت

زنان گمنام شاهنامه^(۱)

نمی‌خواست بین دو سپاه ایرانی جنگی رخ دهد که از هر دو سو افرادی کشته و زنان و کودکان ایرانی بی‌شوی و بی‌پدر می‌شدند. خسرو بزرگوارانه برای گفت‌وگو و دعوت او به آرامش و همدلی به نزد بهرام رفت؛ ولی بهرام سودای سلطنت داشت و چون گردویه، خواهر بهرام از بی‌حرمتی برادرش به خسرو آگاه شد، خشمگین خود را به چادر فرماندهی برادرش رساند و به او گفت: «نتیجه گفت‌وگوئی‌تان با خسرو چه شد؟ اگر او از روی جوانی تودنیز با تو سخن گفته، تو راه آشتی در پیش گیر».

چو خواهرش بشنید کامد ز راه/ برادرش پر درد زان رزمگاه/ بینداخت آن نامدار افسرش/ بیاورد فرمانبری چادرش

بیامد به نزد برادر دمان/ دلش خسته از درد و تیره روان/ بدو گفت ای مهنر جنگجوی/ چگونه شدی پیش خسرو، بگوی

و بهرام در پاسخ به خواهر گفت: «این جوان را ازجمله شاهان مشمار که شایسته شهرداری نیست». و گردویه به برادر گفت: «با خود دشمنی نکن که تو از تخمه شاهان نیستی؛ آنان پدر در پدر داشت و افزایش نقدینگی ضمن لطمه به بودجه شاه بوده‌اند و نمی‌دانم سرانجام این قدرت‌جویی و جاه‌طلبی تو چه خواهد شد که جز درد و نفرین نصیب نخواهد بود. به‌طوری‌که نام بهرام چوبینه به یک دشنام تبدیل می‌شود».

جز از درد و نفرین نجویی همی گل زهر خیره بویی همی چه گویند چوبینه بدنام گشت همه نام بهرام دشنام گشت

گردویه به بهرام اندرز داد: «این بزرگی و این سپاه که اکنون از آن توست، به لطف همین هرمزد بوده است و نمی‌دانم چه آینده تلخی انتظار تو را می‌گذشد. مگر ندیدی که سام نریمان با وجود آنکه تاج و تخت شهرداری را برای او آماده کردند، حاضر نشد بر اورنگ شهرداری تکیه زند».

همه مهتران سام را خواستند/ همان تخت پیروزه آراستند/ بر آن مهتران گفت هرگز مباد/ که جان سپهبد کج تاج باد

و گردویه به بهرام گفت: زمانی که بر تو چه خواهد رسید/ که اندر دلت شد خرد ناپدید.

و بهرام سر از خرد و روی از شرم گردانده بود و جز سریر پادشاهی هیچ نمی‌جست و نمی‌خواست و در نبردی خسرو را شکست داد. خسرو به سوی روم گریخت و از قیصر روم یاری جست و قیصر، سپاهی عظیم از رومیان در اختیارش گذاشت و در نبردی دیگر اگرچه بهرام پیروز بود.

ادامه در صفحه ۲



مهدی افشار پژوهشگر

هرگاه سخن از زنان شاهنامه می‌شود، نام زنانی به میان می‌آید که یا محبوب و معشوق مردان بزرگ شاهنامه‌اند یا چون گردآفرید پهلوانی کرده، در برابر پهلوانان و یلانی مانند سهراب ایستاده‌اند. بی‌گمان رودابه، مادر رستم و همسر زال، زن بزرگی است که عشق را به‌گونه‌ای بی‌همانند تجلی می‌بخشد؛ آن‌گاه که طناب گیسو فرو می‌افکند تا زال به آن بیاویزد و از رزون عشق، به خانه قلب رودابه ورود کند یا سودابه در حمایت از شوی خویش کاووس را از دامی وامی‌راند که پدرش برای کاووس گسترده است و اگرچه عاشق و واله فرزند شوی خویش می‌شود؛ اما این عشق در تقدیر او نوشته شده و سودابه را چاره‌ای نیست جز پذیرش تقدیر. نیز سخن از منیژه، محبوب بیژن است که برای نجات بیژن به چاه افتاده، جان‌فشانی‌ها می‌کند یا سخن از فرنگیس، همسر سیاوش، دخت افراسیاب است که کیخسرو را به گیتی ارزانی می‌دارد، پادشاهی که نماد پاکسی و بزرگواری و الگوی شهرداری است. از شیرین زیباروی سخن گفته می‌شود که وفادارانه بعد از مرگ شوهرش جان می‌دهد تا به قاتل شوی خویش تن نسیپارد. اما در قلمرو شاهنامه زنان بسیاری هستند که از آنان با وجود بزرگواری‌های‌شان کمتر سخن رفته است؛ ازجمله می‌توان از جریده، دیگر بانوی سیاوش و دخت پیران‌ویسه یاد کرد. در این کوتاه‌نوشت بر آتم که یکی از زنان ایرانی شاهنامه را معرفی کنم که مظهر و ملجا خرد است که در مقایسه با زنانی که از آنان یاد شده، بسیار اندک درباره‌اش سخن گفته‌اند و آن زن، گردویه، خواهر بهرام چوبین است؛ زنی خردمند، ناصح برادر و خیرخواه ایران که برادر طغیانگر خویش را از ستم بر خاندان شهرداری بازمی‌دارد و او را به خردورزی می‌خواند و افسوس که گوش بهرام را بر هر اندرزی بسته می‌بیند.

زمانی که هرمزد با نایخردی، بهرام را بر شهرداری خویش می‌شوراند و هرمزد به دست دو خال خسرو، نابینا می‌شود، خسرو با سپاه خویش در برابر بهرام صف‌آرایی می‌کند و در واقع سپاه بهرام که همه ایرانی و همان جنگاورانی هستند که هرمزد تحت فرمان بهرام قرار داده بود تا با ساوه شاه بچکنند، اکنون در برابر خسرو ایستاده بودند. خسرو سودای جنگ نداشت؛ زیرا به‌هیچ‌روی



حرف اول

چرافساد؟

علی تفرزاده

معمولاً موضوع جلسه‌ها و دورهمی‌های رجال شاغل و بازنشسته، نقل اخبار است و در انتها آهی و افسوس‌سی که فساد گسترده شده و برای مستندسازی مصداقی از آنچه در صداوسیما و رسانه‌ها اعم از مجازی و غیرمجازی ذکر و درج شده است، بیان می‌شود و طوری وانمود می‌شود که گویا در سیستم اجرایی کشور، هیچ پاکدست و پاک‌نفسی وجود ندارد و انگشت اشاره هم دیگری را نشانه می‌رود. در جلسه‌ای، میان‌سال‌ی از جمع پرسید اگر چنین است، این کشور پهناور را با این همه مشکلات ریز و درشت چه کسی اداره می‌کند؟ نقش شما در این وضعیت کجا دیده می‌شود؛ مگر نه اینکه هرکدام از شما رجایی بودید یا هستید و حال هرچه هست، محصول عملکرد همگان است در همه سطوح. فساد، کم‌کاری و بی‌کاری هست و نمی‌توان آن را انکار کرد؛ اما دامن‌زدن و بزرگ‌نمایی فساد، ناامیدکردن مردم به‌ویژه جوانان بوده و نتیجه ترسیم چنین تصویری از مملکت در محافل خصوصی و عمومی، یأس، دلسردی و سرخوردن از آینده و فرداهای بهتر است و همین دلیل باعث می‌شود اولویت جوانان تحصیل‌کرده خروج از کشور شده و مشارکت‌نکردن در پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی و سوءظن به همه از صدر تا ذیل.

در این بین، فسادسازی صداوسیما نقش بسزایی در تمامیت‌نمایی فساد دارد؛ به‌خصوص آنکه دولت را نشانه رفته است و یک‌سویه بر طبل اخبار ریز و درشت درست و نادرست می‌کوبد تا ثابت کند این دولت است که در بانک‌ها و اداراتش فساد عمومی فراگیر شده و قس علیهذا؛ اما مردم هم از این پروپاگاندا، نتیجه‌گیری، تصور و برداشت خود را می‌کنند که این همه فساد حتماً با اغماض و اشتراک همه مسئولان است، وگرنه با این همه دستگاه‌های عریض و طویل بازرسی و نظارت اعم از دولتی و قضائی و این همه دوربین، ذره‌بین و... چگونه می‌توان این همه زمین، ساختمان، ارز و ریال، دکل و درهم و دینار جایه‌جا کرد؟ برخی هم از هیاهوی فساد، برداشت و تفسیر سیاسی، مقطعی و موردی می‌کنند که چرا موردی از فساد در حوزه‌های دیگر به نمایش در نمی‌آید؟ اگر فساد این قدر فراگیر شده و نمونه‌های آن را می‌توان در همه‌جا یافت، مگر می‌شود در جاهایی باشد و در برخی جاها نباشد؟

ادامه در صفحه ۲